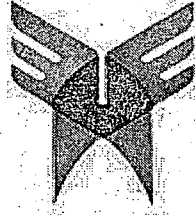


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

10/2/21



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A»

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

کارنامه سیاسی حسین علاء

استاد راهنما:

دکتر محمد نبی سلیم

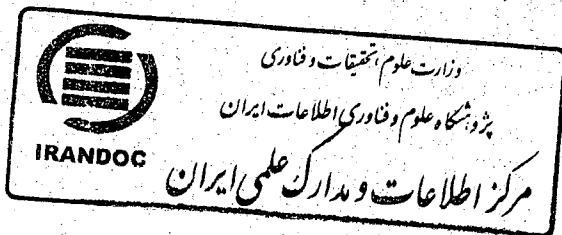
استاد مشاور:

دکتر محمد علی علیزاده

نگارش:

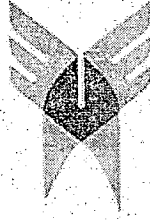
حبیب الله صابری

پاییز ۱۳۸۹



۱۵۸۰۶۷

۱۳۹۰/۳/۸



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A»

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

کارنامه سیاسی حسین علاء

نگارش:

حبیب الله صابری

پاییز ۱۳۸۹

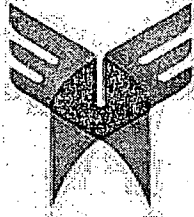
۱. دکتر محمد نبی بطیم

۲. دکتر محمد علی علیزاده

۳. دکتر مهتری ادیسی آریمی

۴. دکتر احمد اشرفی

هیأت داوران



دانشگاه آزاد اسلامی

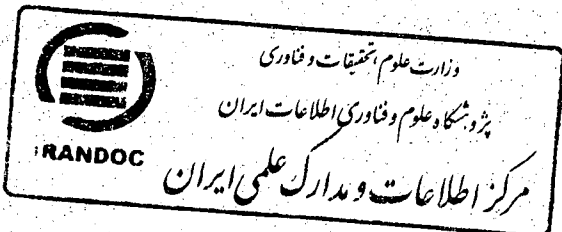
واحد شاهرود

تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه

اینجانب **حسین علی مسابری** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته / دکترای حرفه‌ای / دکترای تخصصی در رشته **ماریج ایران (سریش)** که در تاریخ **۸۹/۹/۱۳** از پایان نامه / رساله خود تحت عنوان **کارنامه سیاسی حسین علی مسابری** با کسب نمره **۱۸** و درجه **بسیار خوب** دفاع نموده ایم بدینوسیله متعهد می شوم:

- این پایان نامه / رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام. مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
- این پایان نامه / رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره‌برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- چنانچه در هر مقطعی زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام خانوادگی: **مسابری**
حسین علی مسابری



سپاسگزارم:

خدای بی همتا را که در لحظه لحظه زندگیم، وجودش را با تمام وجودم حس کرده و در تمام طول حیاتم از او یاری طلبیده و می‌طلبم.

با سپاس از استاد عزیز و بزرگوارم جناب آقای دکتر محمدنبی سلیم که در انسانیت، اخلاق، و تدریس همتا ندارد. توفیق شاگردی در محضرشان از افتخارات من است. از درگاه ایزد منان آرزوی سلامتی و موفقیت روز افزون این استاد گرامی را خواستارم.

با سپاس از استاد فرزانه و دانشمند جناب آقای دکتر محمدعلی عزیزاده می‌دانم اگر زحمات بی‌شائبه شما و دلسوزی‌های بی‌دریغتان نبود هرگز نمی‌توانستم اینگونه راه علم را بپیمایم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات تمامی اساتید و معلمان خود در تمام دوره‌های تحصیل خصوصاً دانشگاه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد قدردانی و سپاسگزاری نمایم. در اینجا بجاست از تمام عزیزانی که یاریم دادند تا این پژوهش در شمایل کنونی هویدا گردد سپاسگزاری نمایم، همینطور از پرسنل کتابخانه‌های عمومی تهران، سازمان اسناد ملی، کتابخانه آزاد اسلامی واحد شاهرود و تمام عزیزانی که به این حقیر لطف داشته و به ادامه کار امیدوارم نمودند قدردان و متشکرم. و در پایان سپاس و قدرانی خالصانه‌ی خود را از اعضای خانواده‌ام که در طی مدت تحصیل با وجود مشکلات و سختی‌ها با صبر و تحمل خود مشوق من بوده اند اعلام می‌دارم.

تقدیم به:

همسر عزیزم که همواره یاری و پشتیبان من در امر تحصیلم بوده است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	فصل اول: کلیات
۵	۱-۱ هدف از تحقیق
۵	۲-۱ روش تحقیق
۵	۳-۱ پیشینه تحقیق
۷	فصل دوم: پیشینه و خاندان علاء
۸	۱-۲ علاء السلطنه میرزا محمد علی خان
۹	۲-۲ مأموریت‌های میرزا علی در وزارت خارجه
۱۴	۳-۲ علاء السلطنه وزیر مختار ایران در لندن
۱۸	۴-۲ امتیاز لاتاری و رابطه آن با وزیر مختاری علاء السلطنه
۲۰	۵-۲ علاء السلطنه در پست وزارت
۲۱	۶-۲ محمد علی خان وزیر امور خارجه ایران
۳۰	۷-۲ نخست وزیری علاء السلطنه (۴ صفر ۱۳۳۱)
۳۴	فصل سوم: بررسی اقدامات علاء از زمان استخدام در وزارت خارجه تا پایان اولین دوره نخست وزیری
۳۵	۱-۳ کارمند وزارت خارجه
۳۶	۲-۳ مأموریت سیاسی علاء در مذاکره صلح ورسای
۳۷	۳-۳ مأموریت در آمریکا

۴۲	۳-۴ تلاش‌ها و مذاکرات در امور نفتی
۴۶	۳-۵ اولین دوره نخست وزیری علاء
۴۷	۳-۶ غوغای نفت
۴۹	۳-۷ علاء چگونه به نخست وزیری رسید
۵۶	۳-۸ اقدامات حسین علاء در دوره اول نخست وزیری
۵۹	فصل چهارم: دوران دوم نخست وزیری علاء و وزارت دربار
۶۰	۴-۱ دوره دوم نخست وزیری
۶۵	۴-۲ حسین علاء و جبهه ملی
۶۶	۴-۳ روابط علاء با فراماسونری
۷۶	۴-۴ علاء وزیر دربار پهلوی
۷۸	۴-۵ روابط حسین علاء و دکتر محمد مصدق
۸۲	۴-۶ ترور نا فرجام حسین علاء
۸۷	۴-۷ علاء و مسأله نفت
۹۱	۴-۸ سالهای آخر عمر علاء
۹۲	فصل پنجم: نتیجه گیری
۹۳	۵-۱ نتیجه گیری
۹۶	منابع و مآخذ
۱۰۱	چکیده انگلیسی

چکیده

برای بررسی تاریخ راستین هر دوره ای، شاید یکی از راه‌ها بررسی زندگی و اقدامات سیاسی افرادی است که در آن روزگار مسئولیت می‌کردند. حسین علاء از نخست وزیر دوره پهلوی دوم و در زمره رجالی است که درباره او تحقیق جامعی صورت تحقیق نیافت است و لذا بررسی کارنامه سیاسی او هدف این پژوهش می‌باشد.

حسین علاء موفقیت‌های سیاسی خود را مدیون تلاش‌های پدرش علاء السلطنه است و نام نیکی که از خود به جای گذاشته بود، در حقیقت علاء السلطنه که اغلب دوران زندگی خود را در خارج از ایران و وزارت خارجه گذرانده بود، حتی به وزارت و وکالت و نخست وزیری هم دست یافته بود، پایه‌های برآمدی و ترقی فرزندش را گذاشت. از طرف دیگر حسین علاء همانند پدر، در راهرو سیاسی خود در طی اواخر حکومت قاجار تا میانه سلطنت محمد رضا پهلوی از برخوردهای حاد و مشکل آفرین و مشارکت در دسته بندی‌ها و چالش‌های سیاسی خطر آفرین خود را بر حذر نگاه داشت. روابط او نیز اگر تاریخ ساز بوده و تأثیری در روشن کردن نقش او داشته از جمله روابط با فرقه فراماسونری و جنبه ملی، مورد تحقیق و نگارش قرار گرفته است. تأثیر زندگی خارج از ایران بر معلومات و برخوردهای شخصی و سیاسی نیز مورد توجه بوده که در این رساله به ثبت آن اقدام گردیده است.

این پژوهش می‌کوشد تا با تکیه بر روش تحقیق اسنادی و نظری به مطالعه جنبه‌های پنهان و آشکار زندگی و پوشش‌های سیاسی این شخصیت نامدار موفق گردد و نتیجه ای که از این مطالعات به دست آمده را بدین صورت اعلام نماید که حسین علاء با اتکاء به روش محافظه کارانه پدرش و بر مبنای تعامل با سیاست پردازان داخلی و خارجی ایران سده بیستم موفق شد ضمن حفظ موقعیت و منصب سیاسی و مدیریتی خویش، از وجاهت خویش برای گفتمان سیاسی با رقباء و جناح‌های فعال و اثر گذار سیاست داخلی و رده‌های حساس حاکمیت پهلوی اول بهره گیرد.

مقدمه

بیان مسأله

رهیافت حقیقی به رموز تحولات تاریخ ایران در گذر از سلسله قاجاریه به پهلوی و فراز و نشیب حاکمیت سیاسی در دهه‌های نخستین و میانی سده ۱۴ خورشیدی، همچنین شناخت علل و عواملی که به این تحولات منجر گردید مستلزم شناخت از تأثیر افرادی است که در آن زمان دارای قدرت و نفوذ بودند بدون شک یکی از آن افراد حسین‌علاء پسر علاء السلطنه نخست وزیر دوران قاجار بوده است، علاء که موقعیت برجسته اش را در دستگاه اداری دوران‌های قاجار و پهلوی کسب کرده بود، بخش قابل ملاحظه‌ای از تاریخ معاصر ایران را متوجه نام خویش نموده است. مشاغلی که او بر عهده گرفته و اقدامات دوران مدیریتش و نیز نقش‌های مختلف او در عرصه سیاسی و روابط با دولت‌های خارجی، حضور اثر گذار در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی به ویژه در سازمان ملل و در زمان تصدی سفارت ایران در آمریکا، همه و همه، چارچوب این پژوهش را تعیین می‌کند و حکایت از پشتکار، کیاست و راهبرد او دارد.

پرسش‌های تحقیق

در این پژوهش سؤالاتی مطرح است از جمله:

۱. محمد علی علاء السلطنه - پدر حسین علاء - در ایجاد موقعیت و موفقیت او چه نقشی عهده دار بود؟
۲. حسین علاء با استفاده از چه روش‌هایی توانست بر مشاغل حساس و مهم دست پیدا کند.

فرضیه‌ها

۱. ظاهراً موقعیت مستحکم و خدمات علاء السلطنه به حکومت مظفرالدین شاه و احمد شاه از عوامل مهم موفقیت او و در نتیجه تضمین ورود پسرش حسین علاء به خدمت به آن حکومت بوده است.
۲. به نظر می‌آید که حسین علاء با استفاده از راهبرد میانه‌روانه و دوری از محفل‌گرایی و چالش با احزاب و عناصر مخرب قدرت و حزب‌گرایی و از طریق تعامل با اصول اصلی سیاست دولت پهلوی توانست به مهمترین پست‌های سیاسی دست یابد.

مشکلات پژوهش

در انجام تحقیق و در روند کارها مشکلات چندی فراروی کار نگارنده گردید که عبارت بودند از:

۱. عدم دسترسی آسان به اسناد مورد نیاز، چرا که شماری از اسناد غیر چاپی هنوز فهرست نشده و یا به سهولت در اختیار محققان قرار داده نمی شود.
۲. گستردگی دامنه پژوهش و تنوع مباحثی که فرد موکد در این رساله با آن درگیر بوده است، باعث شده تا قرار داده نمی شوند.
۳. نگارنده با مجموعه متنوع و انبوهی از رخدادهای روبرو باشد که بررسی تنها بخشی از آنها می توانست خود موضوع یک رساله جداگانه باشد.

سازماندهی پژوهش

برای بحث و بررسی زندگی سیاسی حسین علاء مطالب چندی مورد دسته بندی قرار گرفتند به این ترتیب که در فصل اول به کلیات (مقدمه، بیان مسأله و فرضیات و اهداف، توجه شده است. در مقدمه نیز چند کتاب مورد نقد و بررسی قرار گرفتند.

فصل دوم مشروحا به زندگانی علاء السلطنه، پدر حسین علاء اختصاص یافته است.

فصل سوم مربوط است به دوران نخست وزیری علاء و مشاغل بعدی او که در طی دوران زندگی عهده دارش بوده است از جمله مأموریت‌های سیاسی او در خارج از ایران و روابط نامبرده با دربار پهلوی.

فصل چهارم در مورد نقش علاء در دوران دوم نخست وزیری او و سایر مشاغلی که بر عهده داشته است از جمله روابط او با جبهه ملی، روابط سیاسی و شخصی او با دکتر محمد مصدق، عهده داری پست وزارت دربار، وابستگی او به لژهای فراماسونی در تمام این زمینه‌ها همه نوشته‌های موجود در مورد علاء ذکر شده و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در پایان نیز نتیجه گیری و دستاوردهایی نظری که محصول این پژوهش هستند نوشته شده است.

فصل اول:

کلیات

۱-۱ هدف از تحقیق

هدف از نگارش این رساله دست یابی به مجموعه اقدامات سیاسی علاءالسلطنه و حسین علاء بوده است و بررسی نقش و تأثیر او در حوادث دوران قاجار و پهلوی اول و دوم. نشان دادن خط مشی سیاسی و درجه وابستگی او به دربار پهلوی و مشاغل که متصدی امر آنها بوده است و مجموع اطلاعات برآمده از نوشتار، تحلیلی است از چگونگی علل کامیابی او در هنگامه سرنوشت ساز و در مسئولیت‌های خطیر.

۱-۲ روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده است که در ابتدا با فیش برداری و تفکیک و طبقه بندی داده‌ها همراه شده و نهایتاً با پالایش و تحلیل اسناد و منابع و مآخذ زبده و مشخص صور سازمانی آن در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد تدوین یافته است.

۱-۳ پیشینه تحقیق

درباره زندگی حسین علاء، اطلاعات مدون شده موجود عبارت است از مقالاتی از تألیفات و پژوهش‌های جامع و سودمند در خصوص احوال و کارنامه این رجل سیاسی در دست نیست. تألیفات و نگاشته‌هایی که در بردارنده مطالعات سودمند از زندگی و کارنامه حسین علاء باشند را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

بخش اول کتاب‌های مربوط به عصر پهلوی، بخش دوم تحقیقات معاصرین در سال‌های اخیر.

خاطرات مظفر بقایی: او از افرادی بوده که از دور یا نزدیک با حسین علاء روابطی داشته است. اگرچه روابط

آنها چندان صمیمانه نبوده است اما اطلاعات و اخباری در اسناد مربوط به او وجود داشت که می‌توانست مورد توجه قرار گیرد. هر چند این اطلاعات اندک بود اما در هر حال مورد استفاده قرار گرفت.

خاطرات نورالدین کیانوری: این فرد نیز از افراد وابسته به شوروی و از رهبران حزب توده بود. قضاوت‌های

او اغلب یک جانبه و بدون مطالعه و بیشتر مبتنی بر اهداف جزئی و منابع گروهی بوده و در موارد اندکی از علاء اطلاعات به دست داده است.

زندگی سیاسی جمال امامی بر اساس اسناد: در اسناد و حاشیه اسناد این کتاب که توسط وزارت

اطلاعات چاپ شده، آگاهی‌هایی در مورد حسین علاء به صورت پراکنده و اندک وجود دارد.

خاطرات محمد ناصر صولت قشقایی: در این کتاب که نویسنده آن از نزدیک حسین علاء را می‌شناخته

است. اطلاعات پراکنده اما ارزنده‌ای در مورد حسین علاء وجود دارد بویژه در پاورقی‌های آن گاه به نکته‌های خوبی اشاره رفته است.

فصل دوم:

پیشینه و خاندان علاء

۱-۲ علاء السلطنه میرزا محمد علی خان

ناصرالدین شاه مدت پنجاه سال بر ایرانیان در زمان قاجاریه حکومت کرد (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ق) در این مدت طولانی اقداماتی زیادی انجام گرفت و برای مقابله با نارضایتی مردم و افرادی که صاحب نام بودند و نسبت به حکومت او انتقاد می‌کردند، به اصلاحاتی دست زد. یکی از آن اصلاحات یا نوآوری‌ها استخدام افراد با سواد یا صاحب شهرت در دربار بود. حضور چند خاندان مهم و برجسته که بعدها نیز در تاریخ ایران دارای اسم و رسمی شدند از ویژگی‌های عصر حکومت ناصرالدین شاه به حساب می‌آید اما آن جمله مستشارالدوله، مخبرالسلطنه هدایت و اعتمادالسلطنه و حکیم‌الممالک و علاءالسلطنه و خاندان میرزا مسعود خان انصاری بودند. افراد زیادی به ویژه در اواخر حکومت ناصرالدین شاه وجود داشتند که از ذکر آنها خودداری می‌گردد.

میرزا محمد علی خان پسر میرزا ابراهیم خان مهندس بود. البته جورج چرچیل لقب او را علاءالملک نوشته است که در چند کتاب دیگر نیز این خط مشاهده گردیده. تولد او را حدود ۱۸۰ دانسته و بدون اینکه برابری تاریخ هجری قمری و یا حتی هجری شمسی را ذکر کرده باشد مطلب را خاتمه داده. سال ۱۸۴۰ برابر با ۱۲۵۶ هجری قمری. سال مذکور نیز مصادف است با دوران حکومت محمد شاه. یعنی در ابتدای دوران سلطنت ناصرالدین شاه فرد مورد نظر دارای موقعیتی نبوده که بتواند در امور سیاسی یا اجتماعی داخل شده باشد. اما میرزا ابراهیم خان مهندس از کارمندان وزارت خارجه بوده. اینگونه که معلوم می‌شود در دوران فتحعلی شاه و محمد شاه وارد دستگاه دولتی شده بود اما اسم و رسمی به هم نزنده بود. در مورد اصالت آنان به تفاوت نوشته شده است به گونه‌ای که بعضی او را از اهالی مازندران نوشته‌اند و

بعضی دیگر از اهالی خوی آذربایجان. بنا به نقل مهدی بامداد مورد دوم صحیح به نظر می‌رسد.^۱ نوشته چرچیل نیز حکایت دارد از اینکه او از اهالی آذربایجان بوده است:

«علاءالسلطنه از یک خانواده خوب آذربایجانی برخاسته است.»^۲

۲-۲ مأموریت‌های میرزا علی در وزارت خارجه

پدر علاءالسلطنه چند سال در کنسولگری ایرانی در بغداد کار می‌کرد. شغل او کارپردازی بود یا در اصطلاح امروزی کنسول. او هیچ وقت به سمت سرکنسولگری نرسید و در سال ۱۲۷۵ قمری / ۱۸۴۹ درگذشت. در کمتر از یک سال بعد، ناصرالدین شاه پسرش یعنی میرزا محمود خان را که در کنار پدر وارد به وزارت خارجه شده بود و به امور آن وزارتخانه تا حدودی آشنایی پیدا کرده بود، با عنوان کارپرداز اول ایران در بندر بمبئی تعیین کرد. از این مقایسه نوشته‌ها مورخان معلوم می‌شود که در گزارشات خود نسبت به مقام‌ها و منصب‌ها و حتی سال‌هایی که القاب و انصاب به پدر حسین علاء بخشیده شده اختلاف مشاهده می‌شود. برای روشن شدن این مطلب به چند کتاب مرجع مراجعه و آنها را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم: محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در ذیل حوادث سال ۱۲۸۳ می‌نویسد:

«شرح وقایع سال بیستم سلطنت اعلیحضرت همایون خسرو صاحبقران اعزضره و دام

ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و سه هجری پارس نیل ترکی... میرزا محمد علی

خان کارپرداز اول دولت علیه مقیم بندر بمبئی به اعطای منصب سرتیپی دوم و نشان و

حمایل مخصوص این رتبه قرین مباحث آمد.»^۳

اعتمادالسلطنه در کتاب دیگری که نوشته خود او می‌باشد این واقعه را به صورت دیگری ذیل حوادث

سال ۱۲۸۳ نوشته است به این عبارت:

^۱ بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۳، ص ۴۴۷

^۲ چرچیل، جورج، پ، فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۲۵

^۳ اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، مرآةالبلدان، صص ۱۵۱۱ و ۱۵۲۳

«به پاداش خدمات در راه مازندران محمد علی خان برادر اعتضادالدوله به منصب

بیگلربیگی گری ... نائل گردیدند.»^۱

چون هیچ اشاره ای به منصب قبلی محمد علی خان نشده است، معلوم نیست که فرد ذکر شده همان علاءالسلطنه بوده باشد. اینجاست که متوجه اختلاف حتی در نوشته یک مورخ می توان شد. قابل توجه است که محمد حسین خان اعتمادالسلطنه در کتاب المآثر و الآثار به هنگام واگذاری سمت‌ها و القاب، آنجا که به میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک «وزیر دول خارجه» رسیده است و واگذاری ایالت گیلان را به او نوشتند. هیچ اسمی از علاءالسلطنه در میان نیست:

«ایالت گیلان ... به میرزا سعید خان وزیر دول خارجه مؤتمن‌الملک واگذار شد که

میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله بر حسب تفویض مؤتمن‌الملک مباشر بود.

دوستعلی خان نظام‌الدوله

محمود خان قراگوزلو ناصرالملک

به مرحوم محمد رحیم خان علاءالدوله تفویض گردید...»^۲

این البته بعدها در نوشته مورخان به ویژه در دوره وزارت علاءالسلطنه تخفیف یافت - که در جای خود نوشته خواهد شد. بنا به نوشته عبدالحسین خان سپهر،

«حکومت مازندران را در سال ۱۳۱۴، مظفرالدین شاه به میرزا عبدالله خان سردار

امجد یوشی واگذار کرده بود. میرزا عبدالله خان در عهد سلطنت شاه شهید قریب ده سال

حکومت مازندران را نمود و چون دو همشیره‌اش زوجه شاه شهید علیه‌الرحمه بودند در این

مدت حکمرانی آنچه توانست به مردم مازندران تعدی نمود و بسیار پسرها را بی پدر کرد و

مالشان را به یغما برد»^۳

^۱ اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۸۸۶

^۲ اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار)، ج ۱، ص ۵۵

^۳ نوشته های ملک‌المورخین و مرآت‌الوقایع مظفری، ص ۱۳۳

اگر این نوشته ملاک قرار گیرد، حتی سال نیابت حکومت مازندران توسط محمد علی خان دستخوش شک و تردید قرار می‌گیرد. از این بیشتر در سایر برگه‌ها و در مورد مناصب علاءالسلطنه خواهد آمد.

اعتمادالسلطه نیز نوشته است که

«میرزا محمد علی خان سرتیپ که مدتی کاربرد از بمبئی بود به لقب معین‌الوزرا و

نیابت حکومت گیلان سرافراز شد»^۱.

این جزء وقایع سال ۱۲۸۸ قمری ثبت شده است. بدین ترتیب برای پژوهشگر پیوسته این سؤال باقی است که به کدام یک از نوشته‌ها می‌بایستی بیشتر توجه شود؟

از این زمان به بعد میرزا محمد علی پیوسته در مأموریت‌های وزارتخانه بوده است. اگر چه از او حرکت شایان توجهی دیده نشده اما از مأمورانی بود که مرتکب عملی نیز نشده بود که مشکل زیادی برای حکومت ایران به وجود بیاورد.

چرچیل در همین زمینه یعنی مأموریت محمد علی خان در بمبئی نوشته:

«بعد از جنگ ایران و انگلیسی (۱۸۵۹/۱۲۷۵) به سمت سرکنسول ایران در بمبئی

منصوب شد او قبلاً با همین سمت در بغداد بود»^۲.

به نظر می‌رسد که چرچیل مرتکب خطا شده باشد زیرا این سمت را پدر محمد علی دارا بوده. علاوه بر آن سمت پدرش نیز کاربرد از بوده نه کاربرد از اول. چون کنسول را در آن زمان کاربرد از می‌نامیدند و سرکنسول را کاربرد از اول، بنابراین ما بین این دو سمت مرتکب خطا شده است. زیرا اگر چنین باشد معلوم می‌شود که او رئیس پدرش بوده است و در منابع دوره قاجار چنین چیزی موجود نمی‌باشد. مهدی قلی هدایت از فردی به نام علاءالسلطنه یاد کرده که «وزیر علوم» بود و «منکر صرف و نحو فارسی بود و صرف و نحو را منحصر به عربی می‌دانست»^۳. این علاءالسلطنه آن فردی نبوده که مورد نظر این نوشته باشد. اما از علاءالسلطنه به عنوان وزیر امور خارجه نوشته که قطعاً همین علاءالسلطنه است که مورد نظر می‌باشد. این ماجرا مربوط به کابینه اتابک اعظم است که در ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ یعنی

^۱ مرآت‌البلدان، ج ۲ و ۳، ص ۱۶۵۵

^۲ فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۲۵

^۳ هدایت، مهدی قلی، خاطرات و خطرات، ص ۴

سال ۱۹۰۷ م منعقد گردیده بود. چنانچه سال‌های مورد نظر مقایسه شوند دریافت می‌شود که مابین آنها پنجاه سال تفاوت است.

علاءالسلطنه تا سال ۱۲۸۷ یعنی دوازده سال بعد (برابر با ۱۸۷۱ م) در همان سمت باقی بود. همه این مقام‌ها مربوط است به دوره سلطنت ناصرالدین شاه. در همان سال به تهران احضار شد. سال بعد یعنی ۱۲۸۸/۱۸۷۲ لقب معین‌الوزراء به او داده شد. این لقب به خاطر آن بود که به نیابت حکومت گیلان گماشته شده بود. انتخاب وی توسط میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک وزیر امور خارجه صورت گرفته بود. موضوع چنین بود که از سال ۱۲۸۶ شاه برای آنکه اندکی از مسئولیت‌های خود بکاهد، حکومت گیلان را جزء مشاغل وزیر امور خارجه آورده بود، این کار بیشتر برای آن بود که وزیر خارجه بتواند مایحتاج خود را از حکومت آن سرزمین تأمین کند. مرسوم نبود که حقوق فلانی به وزیر خارجه یا حتی مأموران سفارت بپردازند. از این زمان به بعد وزیر خارجه مؤتمن‌الملک برای آنکه خود نمی‌توانست دو جا حضور داشته باشد نایبی یا سرپرستی تعیین می‌کرد و به آن استان می‌فرستاد. در سال مورد نظر این منصب را به میرزا محمد علی علاءالسلطنه واگذار کرده بود. قبل از علاءالسلطنه، نایب‌الوزراء، میرزا عبدالوهاب خان شیرازی نصیرالدوله بود که در تاریخ با نام یا لقب آصف‌الدوله شناخته می‌شد. بنابراین علاءالسلطنه به جای آصف‌الدوله به نیابت حکومت قزوین فرستاده شد. به این ترتیب او اگرچه از وزارتخانه دور شده بود اما به وسیله مؤتمن‌الملک هم چنان از امور وزارتخانه مطلع بود و این تجربه نیز بعدها به او کمک کرد تا بتواند متصدی پست‌های دیگری در وزارتخانه بشود.

مدت نیابت حکومت او تا سال ۱۲۹۶ به درازا کشید، یعنی در حدود هشت سال. در سال ذکر شده او مجدداً به طور مستقیم وارد در خدمت وزارتخانه شد. شاه به او کارپردازی اول (سرکنسولی) ایران در بغداد را واگذار کرد. مدت زمانی طولانی در این سمت باقی نماند تا اینکه با همین رتبه و درجه مأمور سفارت ایران در تفلیس گردید. یعنی سرکنسول با کارپرداز اول ایران در تفلیس. او در این سمت مدت طولانی باقی بود یعنی تا سال ۱۳۰۷/۱۸۸۷ م. چرچیل زمانی واگذاری آن مقام را سال ۱۸۸۰ یعنی ۱۲۹۹ نوشته است. هر چند که به نوشته‌های او نمی‌توان چندان استناد کرد زیرا مغشوش اند. اما در هر حال معلوم است که در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا که از مسیر تفلیس صورت گرفته بود، شبی را در خانه معین‌الوزراء همراه با همه همراهان گذرانیده بودند^۱ (۱۱ محرم ۱۳۰۷ در تفلیس).

^۱ یادداشت‌های خطی اعتمادالسلطنه، بدون صفحه، به نقل از شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۴۴۸